

واژه های زبانی،
آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی در کلیله و دمنه (ترجمه نصرالله منشی)،
باب الملك و البراهمه

المصطلحات اللغوية والعادات والثقافة الإيرانية
في كليله و دمنه (ترجمة نصر الله منشى)
باب الملك و البراهمة

م.م. هديل حسين عبد

الجامعة المستنصرية

الرقم: 07716559605

Hadeel.hussien@uomustansiriyah.edu.iq

چکیده

کليلة و دمنه، ترجمه نصرالله منشی، گنجینه‌ای از حکمت عملی، فرهنگ و ادب ایرانی است. در باب «الملک و البراهمة»، بازتاب گسترده‌ای از واژگان اصیل، آداب اجتماعی و اندیشه‌های فرهنگی ایرانی دیده می‌شود. در این پژوهش، از شیوه تحلیلی-توصیفی با رویکرد استنباطی در جریان مقاله استفاده شده است و متعاقباً بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه‌ای، همچنین به شیوه گردآوری داده‌ها به سبک فیش برداری، بستر کلی این نگاه را تشکیل خواهد داد و به واکاوی ویژگی‌های زبانی، نمایه‌های رسوم اجتماعی و انعکاس فرهنگ ایرانی در این باب می‌پردازد. هدف این پژوهش، نشان دادن میزان پیوند زبان و فرهنگ ایرانی در یکی از مهم‌ترین متون نثر مصنوع فارسی است.

کلیدواژه: کليلة و دمنه، فرهنگ ایرانی، الملک و البراهمة، رسوم اجتماعی

1 - مقدمه

کلیله و دمنه از دیرباز به عنوان اثری آموزنده و سرشار از حکمت عملی، جایگاهی ویژه در ادبیات فارسی داشته است. نصرالله منشی در قرن ششم هجری با نثری فصیح و آراسته، این اثر را از عربی به فارسی برگرداند و ضمن حفظ ساختار اصلی اثر، آن را به رنگ و بوی فرهنگ ایرانی آراست. نصرالله منشی در آغاز قرن ششم هجری کلیله و دمنه را از زبان عربی به فارسی ترجمه کرد. این ترجمه نه تنها بازتابی از مهارت زبانی مترجم، بلکه چکیده‌ای از اندیشه‌های آموزشی، اخلاقی و فرهنگی دوره خود نیز به شمار می‌آید. ساختار کلی اثر از چهارده باب (فصل) تشکیل شده است که هر باب دارای داستانی اصلی و مرکزی است و در دل آن، روایت‌های فرعی متعددی جای گرفته است. این شیوه روایت‌پردازی، ساختاری لایه‌لایه و پیوسته به وجود آورده که طی آن داستان‌های کوچک‌تر پیرامون داستان اصلی شکل گرفته‌اند. در مجموع، در کلیله و دمنه نصرالله منشی، چهل‌وهفت داستان در ابواب مختلف روایت شده است. (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۷۰)

این اثر از نظر قالب و محتوا، اثری تمثیلی-تعلیمی است که در بیشتر روایت‌ها از شخصیت‌های حیوانی برای بیان مضامین انسانی بهره گرفته شده است، اگرچه گاه انسان‌ها و موجودات اسطوره‌ای نیز در داستان‌ها حضور دارند. (نوری، و غیره، ۱۳۸۹ ص. ۹۲)

از دیرباز، در مطالعات ادبیات یونان و روم باستان، در سنت‌های اسلامی و ایرانی، و نیز در نقدهای ادبی مدرن غربی، موضوع «رابطه بین متون» و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر، یکی از محورهای اساسی تحلیل‌های ادبی بوده است. (امامی، ۱۳۷۷ ص. ۲۰۹)

کلیله و دمنه نیز به عنوان متنی میان‌فرهنگی، در پیوندی آشکار و پنهان با متون پیشین و پسین قرار دارد و نشان‌دهنده جریان مداوم فرهنگ و اندیشه در ادبیات فارسی

است. باب «الملك و البراهمة» که به گفت‌وگو میان پادشاه و گروهی از زاهدان می‌پردازد، فضایی سرشار از مفاهیم اجتماعی، سیاسی و اخلاقی دارد که در زبان، آداب و رسوم ایرانی انعکاس یافته است.

هدف این پژوهش، تحلیل دقیق و علمی واژگان مرتبط با آداب و رسوم ایرانی در این داستان است و اینکه چگونه زبان و ساختار روایت در کلیله و دمنه، به ویژه در داستان «باب الملك و البراهمة»، با تأکید بر مفاهیم فرهنگی، باورهای اجتماعی و فلسفی، هویت فرهنگی ایرانی را انعکاس می‌دهد. این پژوهش بر آن است تا نشان دهد چگونه انتخاب واژگان و تصویرسازی‌های زبانی، فرهنگی کهن و غنی را در قالب داستانی تمثیلی به نسل‌های مختلف منتقل کرده است.

2 - خلاصه حکایت «الملك و البراهمة» در کلیله و دمنه (ترجمه نصرالله منشی)

در این حکایت، هبلار، پادشاه هند، شبی هفت خواب پیاپی می‌بیند و براهمه را برای تعبیر آن‌ها فرا می‌خواند. براهمه که پیش‌تر دشمنی پادشاه را چشیده بودند، فرصت را غنیمت شمرده و برای انتقام، تعبیری هولناک ارائه می‌کند. آنان پیشنهاد می‌کنند که شاه برای دفع شر خواب‌ها، نزدیک‌ترین عزیزان خود همچون فرزندش جوهر، ملکه ایران‌دخت، وزیر بلار، دبیر کاک، فیل سپید و دیگر حیوانات محبوب خود را به قتل رساند و در خون آن‌ها غسل کند. شاه از این تعبیر به شدت اندوهگین شده، به خلوتگاه می‌رود و اندوهش آشکار می‌شود.

در ادامه، بلار وزیر که به نگرانی پی می‌برد، از طریق ایران‌دخت حقیقت ماجرا را جست‌وجو می‌کند. ایران‌دخت، پس از گفت‌وگو با شاه، او را تشویق می‌کند تا تعبیر خواب را با کارایدون حکیم در میان‌گذارد. حکیم پس از شنیدن خواب‌ها و

تعبیر براهمه، بیان می‌کند که تعبیر براهمه نادرست و از روی نیرنگ بوده و خواب‌ها در واقع نوید هدایا و نعمت‌های گران‌بها از سوی پادشاهان دیگر است. هفت روز بعد، پیش‌بینی‌های حکیم درست از آب درمی‌آید و هدایا به درگاه شاه می‌رسند. ماجرای انتخاب میان تاج و لباس ارغوان، و اشاره‌های پنهانی ایران‌دخت و بلار نیز به میان می‌آید؛ که در نتیجه‌ی آن، حسادت ایران‌دخت نسبت به جمال یکی از بانوان موجب نزاعی کوتاه میان او و شاه می‌شود. شاه در خشم فرمان قتل ایران‌دخت را صادر می‌کند، اما بلار وزیر با درایت، از اجرای حکم خودداری می‌کند و او را مخفیانه حفظ می‌کند. در نهایت، پس از گفتگوهای طولانی و زیرکانه‌ی وزیر با شاه، حقیقت روشن می‌شود. شاه از رفتار عاقلانه‌ی بلار خوشنود می‌شود و به او و ایران‌دخت صله‌های ارزشمند می‌بخشد. در پایان، شاه با قاطعیت فرمان می‌دهد که براهمه‌ای که این دسیسه را چیده بودند مجازات شوند، و کارایدون حکیم به پاس دانش و صداقت خود مورد لطف و عنایت قرار می‌گیرد. این حکایت برجسته، تأکید می‌کند بر اهمیت حلم، مشورت با خردمندان، دوراندیشی در تصمیم‌گیری، و رعایت انصاف در داوری؛ که همگی از مؤلفه‌های بنیادین فرهنگ ایرانی در حکمرانی شمرده می‌شوند. (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۴۷-۳۹۶)

۲- واژه‌های زبانی در باب «الملک و البراهمة» نصرالله منشی در ترجمه کلیله و دمنه، به‌ویژه در باب «الملک و البراهمة»، با مهارت زبانی چشمگیر خود، واژگان اصیل فارسی را به شکلی هنرمندانه با واژه‌های دخیل عربی درمی‌آمیزد و نثری استوار، آهنگین و فصیح خلق می‌کند. این سبک ویژه، نه تنها نشان از توانایی بالای ادبی او دارد، بلکه بازتاب‌دهنده ذوق و سلیقه زبانی ایرانیان در قرن ششم هجری است. (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۸۰)

در زیر نمونه ای از این باب در بند اول را می خوانیم:
 تا نباشی حریف بی خردان که نکوکار بد شود ز بدان
 باد کز لطف اوست جان بر کار زهر گردد همی ز صحبت مار
 (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۴۷-۳۹۶)

در این باب، نمونه‌های درخشانی از واژگان اصیل و فرهنگ ساز فارسی به چشم می خورد که هر یک نماینده بخشی از نظام فکری و ارزشی جامعه ایرانی در دوره‌های کهن است. از جمله این واژگان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

خرد: واژه‌ای بنیادین در فرهنگ ایرانی که همواره نشانه عقلانیت، درایت و شناخت درست از امور بوده است. در باب «الملک و البراهمة»، خرد به عنوان چراغ هدایت انسان و معیار تصمیم گیری‌های مهم به کار رفته است.

بخت: مفهومی که پیوند نزدیکی با اندیشه سرنوشت و تقدیر در فرهنگ ایرانی دارد. واژه بخت، ضمن آنکه به بازی‌های ناپایدار روزگار اشاره دارد، نوعی نگاه فلسفی به فراز و فرود زندگی را نیز بازتاب می دهد. (بهار، ۱۳۸۹ ص. ۹۶)

کین و داد: این دو واژه، در کنار هم، گویای آمیزه‌ای از عدالت و انتقام در سنت‌های فرهنگی ایران باستان‌اند. کاربرد این مفاهیم در باب «الملک و البراهمة» نشان می دهد که عدالت نه تنها در قضاوت، بلکه در واکنش به ظلم و ستم نیز اهمیت داشته است.

آیین و فرزاندگی: دو مفهوم کلیدی که ریشه در باورهای دینی، حکمی و فلسفی ایران باستان دارند. آیین به مجموعه قواعد اخلاقی و دینی اشاره دارد، و فرزاندگی بیانگر بلوغ فکری، خردمندی و تسلط بر دانش و رفتار نیکو است.

از دیگر ویژگی‌های زبانی این باب، کاربرد گسترده افعال مرکب فارسی همچون «داد دادن»، «کین خواستن»، «رای زدن» و «خشم گرفتن» است. این

ساختارهای زبانی نه تنها موجب غنای نثر شده‌اند، بلکه نصرالله منشی را در بیان مفاهیم پیچیده و انتقال معانی عمیق یاری داده‌اند. (یعقوبی جنبه سرای، ۱۳۹۰ ص. ۸۹)

توصیفات شاعرانه و تصویرسازی‌های ادبی، همراه با استفاده از صنایع بدیعی چون سجع، ترادف و تضاد، نثر این باب را به یکی از قله‌های نثر مصنوع و هنری ادب فارسی تبدیل کرده است. بدین ترتیب، باب «الملک و البراهمة» نمونه‌ای کامل از پیوند زبان، اندیشه و فرهنگ ایرانی در یک متن فاخر است؛ متنی که نه تنها ارزش ادبی دارد، بلکه در شناخت تاریخ تفکر و زبان ایرانیان نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. و در بخشی دیگر از باب:

«مصالح اطراف و حوادث نواحی چگونه معلوم شود، و بر احوال اعدا و عوازم خصمان به چه تأویل و قوف افتد؟ و.....». (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۴۷-۳۹۶) تحلیل:

در این بخش، دغدغه حفظ قدرت و اداره امور ملک از خلال ابزارهای نظامی و اطلاعاتی بیان می‌شود و نویسنده با بهره‌گیری از واژگان کلیدی چون «خرد»، «بخت»، «داد»، «کین»، «آیین» و «فرزانگی» جهان‌بینی ایرانی را در ساحت زبان و نثر فارسی بازتاب می‌دهد.

نصرالله منشی اهمیت دستیابی به اخبار نواحی اطراف و وقوف بر احوال دشمنان را به‌عنوان شرط لازم برای اداره کشور و حفظ قدرت پادشاهی معرفی می‌کند. وی این آگاهی و اشراف را مولود خرد و تدبیر می‌داند، و تصریح می‌کند که بدون حضور خردمندان و ناصحان دلسوز، نظام ملک از هم می‌پاشد:

«مصالح اطراف و حوادث نواحی چگونه معلوم شود، و بر احوال اعدا و عوازم خصمان به چه تأویل و قوف افتد؟»

در این عبارت، مفهوم خرد به عنوان نیروی راهبر سیاست و کشورداری برجسته شده است. همچنین واژه بخت با تصاویری هنری از مرکب‌های شتابنده توصیف می‌شود؛ بختی که همچون جمازه‌ای قوی و خستگی‌ناپذیر، یار و یاور پادشاه در گذر از مشکلات و دشواری‌های روزگار است:

«بی جمازه بختی که در تگ دست صبا خلخالش نپساید و جرم شمال گرد
پایش نشکافد»

این توصیف نشان می‌دهد که در اندیشه ایرانی، توفیق و کامیابی بدون همراهی بخت و تدبیر به دشواری حاصل می‌شود.

همچنین، در جای جای این قطعه، دو مفهوم بنیادین کین و داد به هم تنیده شده‌اند. نصرالله منشی تأکید می‌کند که بدون داشتن نیروی قهرآمیز، چون پیل‌های سپید و شتران تیزرو، و بدون شمشیرهای بران، دفاع از ملک و احقاق حق ممکن نیست. وی با توصیفی شاعرانه از شمشیر چنین می‌گوید:

«بی شمشیر بران که گوهر در صفحه آن چون ستاره است در گذر کاه‌کشان»
این تصویر نماد پیوند میان عدالت‌جویی (داد) و قدرت‌بازدارنده (کین) است که در فرهنگ ایرانی جایگاهی رفیع دارد. پادشاه عادل در صورت لزوم باید بتواند با ابزار قدرت از حق دفاع کند و کژی را دفع نماید.

افزون بر این، نصرالله منشی از واژه‌های آیین و فرزاندگی به صورت ضمنی بهره می‌برد، زمانی که از ضرورت مشورت با خردمندان و تدبیر در مواجهه با دشمن سخن می‌گوید. این تأکید بر نظم و حکمت، از عناصر ریشه‌دار فرهنگ ایرانی در طول تاریخ است؛ جایی که پادشاهی بدون استمداد از اندیشه و مشورت خردمندان امری مذموم تلقی شده است.

زبان این قطعه سرشار از تصاویر بلاغی و صنایع ادبی است. تشبیه پیل سپید به «خرمن ماه» و جمازه بختی به «هایل هیونی تیزرو» که «از آهوان برده گرو»، نمونه‌هایی

از هنرمندی نصرالله منشی در خلق نثری شاعرانه و آهنگین است. همچنین کاربرد افعال مرکب فارسی چون «وقوف افتادن»، «کارها صورت بستن»، «مهد او دلگشا بودن» و... نشان از پویایی و اصالت زبان فارسی در این دوره دارد.

در پایان، نصرالله منشی با حسرت از این سخن می‌گوید که اگر این اسباب و اعوان از پادشاه دریغ شود، لذت زندگی و استواری پادشاهی از میان خواهد رفت: «فراق عزیزان کاری دشوار و شربتی بدگوار است، و کفایت مهمات و تمشیت اشغال بی‌یار و خدمتگار سعی باطل و نهمتی متعذر است.»

در این فراز، اهمیت یاران وفادار و همبستگی اجتماعی که از ارزش‌های کهن فرهنگ ایرانی است، به زیبایی انعکاس یافته است. (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۴۷-۳۹۶)

3 - آداب و رسوم ایرانی در باب «الملک و البراهمة»

در خلال داستان‌های این باب، اشارات مستقیمی به آداب اجتماعی و رسوم سنتی ایران دیده می‌شود و بخش از متن این داستان را در اینجا بررسی می‌کنیم:

«در جمله، ذکر فکرت ملک شایع شد. بلار وزیر اندشید که اگر در استکشاف آن ابتدا کنم از رسم بندگی دور افتد، و» (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۴۷-۳۹۶)

تحلیل داستان:

أ - زمینه اجتماعی و فرهنگی: در داستان «الملک و البراهمة»، می‌توان به وضوح تأثیرات فرهنگی و اجتماعی در روابط بین افراد و شخصیت‌های مختلف را مشاهده کرد. در این داستان، که حول محور پادشاه (الملک) و وزیران و مشاوران او (به‌ویژه بلار و ایران دخت) می‌چرخد، تأکید بر تصمیم‌گیری خردمندانه، مشورت

ورعایت مصلحت عمومی و فردی به وضوح نشان‌دهنده اصول فرهنگی جامعه ایرانی است (نوری، و غیره، ۱۳۸۹ ص. ۸۲).

«بلار وزیر اندیشید که اگر در استکشاف آن ابتدا کنم از رسم بندگی دور افتد، و اگر اهمالی ورزم ملایم اخلاص نباشد»

در این جمله، بلار وزیر در حال تأمل و مشورت برای یافتن بهترین تصمیم است. این حالت نشان‌دهنده یکی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی است که در آن خرد و تدبیر، حتی در امور شخصی و فردی، بسیار اهمیت دارد. وی در پی آن است که بدون در نظر گرفتن نظر دیگران، تصمیمی اتخاذ نکند و این امر در فرهنگ ایرانی که به مشورت و همفکری اهمیت زیادی می‌دهد، اهمیت ویژه‌ای دارد.

ب - مفاهیم اخلاقی و رفتاری: این داستان پر از نکات اخلاقی و هنجاری است که در آن می‌توان اصول بنیادین اخلاقی ایرانیان را مشاهده کرد. موضوعاتی همچون وفاداری، صداقت، شجاعت در بیان حقیقت، و صبر به وضوح در این روایت مشهود است.

«ایران‌دخت گفت: میان من و ملک عتابی رفته است»

در این جمله، ایران‌دخت به صراحت اعلام می‌کند که در گذشته ممکن است میان او و پادشاه اختلافاتی بوده باشد. اما در این بخش، او همچنان از جایگاه خود به‌عنوان یک مشاور و شخص با آگاهی بالا برخوردار می‌کند. این رفتار، که در آن صداقت و شجاعت در بیان مسائل رعایت می‌شود، در واقع اصولی است که در جامعه ایرانی به آن توجه ویژه‌ای می‌شود. در اینجا، ایران‌دخت می‌خواهد نشان دهد که هیچ چیزی از او پنهان نمی‌ماند و در مسیر خدمت به پادشاه، باید از گفتن حقیقت اجتناب نکرد.

ج. عقل و تدبیر در سیاست: در داستان، برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی، از شخصیت‌ها خواسته می‌شود که از عقل و تدبیر استفاده کنند. بلار و ایران‌دخت از این

اصول پیروی می‌کنند و بر اهمیت رعایت حکمت در سیاست‌ورزی تأکید دارند. این مسئله در تاریخ ایرانیان بسیار حیاتی بوده است، زیرا تصمیمات نادرست می‌توانند پیامدهای بسیار سنگینی داشته باشند. (نفیسی، ۱۳۴۰، ص. ۲۶۲)

«ایران دخت گفت: مباد که شاه به اضطرار باید بود، و اگر، والعیاذ باللہ، غمی حادث گردد عزیمت مردان در ملازمت سیرت ثبات و محافظت سنت صبر تقدیم فرماید.»
ایران دخت در این بخش به اهمیت «صبر» و «ثبات» در مواجهه با مشکلات سیاسی اشاره می‌کند. در سیاست ایرانی، به ویژه در زمان‌های بحرانی، صبر به عنوان یک فضیلت اصلی شناخته می‌شود و از پادشاه خواسته می‌شود که از انجام واکنش‌های فوری و غیرمعقول پرهیز کند. اینجا، ایران دخت از «ثبات» به عنوان یکی از ویژگی‌های کلیدی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی یاد می‌کند که در فرهنگ ایرانی از اهمیت زیادی برخوردار است.

د. نقد قدرت و فساد: در تحلیل مفهومی دیگر از این متن، می‌توان به نکات دیگری اشاره کرد که در آن به فساد و سوءاستفاده از قدرت پرداخته می‌شود. در داستان، ایران دخت به پادشاه یادآوری می‌کند که نباید به همه کسانی که اطراف او هستند اعتماد کند و آن‌ها ممکن است در تلاش باشند تا از موقعیت خود سوءاستفاده کنند.

«ایران دخت گفت: ملک را این یاد می‌باید داشت که همه براهمه او را دوست ندارند، و اگر چه در علم خوضی پیوسته‌اند بدان دالت هرگز سزاوار امانت نگردند»
در این قسمت، ایران دخت به پادشاه هشدار می‌دهد که نباید به کسانی که همیشه در اطراف او حضور دارند و به نظر می‌رسد که در هر موضوعی دخالت می‌کنند، اعتماد کند. این نقد قدرت و فساد در داستان، نشان‌دهنده آگاهی از سوءاستفاده‌های احتمالی است که در هر نظام حکومتی ممکن است رخ دهد. در واقع، این نقد به نوعی از فساد در قدرت در فرهنگ ایرانی نیز بازتاب دارد.

و. تحلیل روانشناسی شخصیت‌ها: در تحلیل شخصیت‌ها، ایران‌دخت به‌عنوان شخصیتی خردمند و سیاستمدار ظاهر می‌شود. او در برابر مشکلات و بحران‌ها رویکردی فلسفی و عقلانی دارد. در مقابل، بلار وزیر نیز به‌عنوان کسی که درک عمیقی از وظیفه‌اش در خدمت به پادشاه دارد، عمل می‌کند. این شخصیت‌ها نمایانگر اصول اخلاقی و سیاسی در فرهنگ ایرانی هستند که به‌طور کلی بر صداقت، خرد، شجاعت، وفاداری و حکمت در تصمیمات تأکید دارند. (صلواتی، و غیره، ۱۳۸۹ ص. ۴۹)

باب «الملک و البراهمة» به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آداب و رسوم ایرانی می‌پردازد و اصول فرهنگی و اخلاقی خاصی را نمایان می‌کند. از وفاداری و صداقت گرفته تا حکمت در تصمیم‌گیری و نقد قدرت و فساد، همه این‌ها در این داستان به‌خوبی به تصویر کشیده شده است. این اصول فرهنگی، که در تاریخ ایران و در متون ادبی مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند، هنوز هم در بسیاری از جوامع ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارند.

4 - فرهنگ ایرانی در باب «الملک و البراهمة»

در این بخش از داستان «الملک و البراهمة»، که در آن پادشاه به مشورت و تدبیر می‌پردازد و سپس تصمیم به اجرای این تدابیر می‌گیرد، بسیاری از اصول بنیادین فرهنگ ایرانی و آداب پادشاهی و حکمت به چشم می‌آید. این داستان به‌ویژه بر اهمیت حلم، خردمندی، مصلحت‌اندیشی، و توجه به آینده تأکید دارد. در ادامه تحلیل فرهنگی این موارد با نمونه‌هایی از متن آورده شده است.

«ملک گفت این مناصحت را به سمع قبول اصغا فرمودیم و در مستقبل بی‌تأمل و مشاورت و تدبیر و استخاره مثالی ندهیم. و صلتی گران ایران‌دخت را و بلار را ارزانی داشت.» (ابن المقفع، ۱۳۸۲ ص. ۳۴۷-۳۹۶)

تحلیل:

در داستان «الملك و البراهمة»، ما شاهد مواردی هستیم که به وضوح نشان دهنده اصول بنیادین فرهنگ ایرانی در حکمرانی و سیاست‌ورزی هستند. حلم، مصلحت‌اندیشی، توجه به عواقب و پیامدها، فضیلت حکمت و استفاده از تجارب پیشینیان، از جمله مفاهیمی هستند که در فرهنگ ایرانی بسیار ارزشمند به‌شمار می‌روند. این اصول نه تنها در داستان‌های ادبی بلکه در تاریخ سیاسی ایران نیز نقش بسیار مهمی داشته‌اند.

أ - حلم و ترجیح آن بر دیگر اخلاق

یکی از اصول مهم در فرهنگ ایرانی، به‌ویژه در سیاست‌ورزی و پادشاهی، حلم و صبر است. در این داستان، پادشاه پس از مشورت و تدبیر با وزیران خود، تصمیم می‌گیرد که به رغم تصمیمات سخت و برخورد‌های قاطعانه‌ای که با براهمه و دشمنان داشته است، در نهایت رفتار و تصمیماتش باید بر پایه حلم و خردمندی باشد. (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص. ۴۷۹)

«ملك گفت: این مناصحت را به سمع قبول اصغافرمودیم و در مستقبل بی‌تأمل و مشاورت و تدبر و استخاره مثالی ندهیم»

این جمله نشان می‌دهد که پادشاه بر اهمیت مشورت، تدبیر و استخاره تأکید می‌کند و تصمیم می‌گیرد که هیچ تصمیمی بدون تفکر و تدبیر نگیرد. این نوع مشورت و حکمت در تصمیم‌گیری به‌ویژه در دوره‌های تاریخی ایران، به‌ویژه در دربار پادشاهان، جایگاه ویژه‌ای داشته است و نشان‌دهنده رعایت حلم در رفتار پادشاهان است.

پادشاه در اینجا حلم را به عنوان یک ویژگی برتر در نظر می‌گیرد که نه تنها در روابط انسانی بلکه در سیاست نیز باید رعایت شود. به‌ویژه اینکه در هنگام رویارویی

با مسائل پیچیده و بحرانی، تصمیم‌گیری بدون اندیشه و مشورت می‌تواند پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد.

ب - مصلحت‌اندیشی در سیاست

در فرهنگ ایرانی، مصلحت‌اندیشی و نگاه به آینده همواره از مهم‌ترین ویژگی‌ها در حکمرانی و سیاست‌ورزی بوده است. در این متن، پادشاه و مشاورانش تصمیم می‌گیرند که به جای واکنش‌های زود هنگام و خشونت‌آمیز، به یک استراتژی بلندمدت و تدریجی برای حل مشکل دست یابند (سلیمی، ۱۳۸۲، ص. ۷۳)

«ملک مثالی داد تا ایشان را نکال کردند، و بعضی را بر دار کشیدند»

این جمله نشان می‌دهد که پادشاه برای حل مشکلات به انجام اقداماتی عملی و موقت دست زده است، اما در نهایت بر این باور است که باید بر اساس مصلحت و خرد عمل کرد. اجرای حکم اعدام بر برخی از افراد ممکن است اقدامی ظاهری و در ابتدا قاطعانه باشد، اما در پس‌زمینه آن، هدف اصلی بهبود وضعیت کلی کشور و رعایت اصول حکومتی است.

ج. توجه به عواقب و پیامدهای اعمال

در این داستان، پادشاه در هنگام تصمیم‌گیری درباره برخورد با کسانی که به فساد و خیانت پرداخته‌اند، به پیامدهای اقدامات خود و وضعیت آینده کشور توجه دارد. در اینجا، پادشاه به جای اقدام فوری و بدون تدبیر، می‌خواهد که حکمت و عواقب تصمیمات مورد بررسی قرار گیرد. این نشان‌دهنده نگرش ایرانی به تفکر بلندمدت است که در بسیاری از متون حکمت ایرانی به‌ویژه در آثار فلسفی و سیاسی مشاهده می‌شود. (صلواتی، و غیره، ۱۳۸۹، ص. ۴۸)

«و کار ایدون حکیم را حاضر خواست و به مواهب خطیر مستغنی گردانید.» در این جمله، پادشاه به حکمت و تدبیر از پیش آماده شده اشاره دارد و می‌خواهد که حکمت و مشورت به عنوان ابزارهای اصلی در تصمیم‌گیری‌های بزرگ و مهم مورد استفاده قرار گیرند. همچنین تأکید بر مواهب خطیر نشان‌دهنده اهمیت توجه به منابع و امکانات در آینده است.

د. فضیلت «حلم» و «ترجیح آن بر دیگر اخلاق ملوک»

در این بخش از داستان، نویسنده بر فضیلت حلم تأکید کرده و آن را بر دیگر خصوصیات اخلاقی ملوک و پادشاهان ترجیح می‌دهد. حلم به عنوان یک ویژگی عالی در فرهنگ ایرانی، به معنای کنترل نفس و داشتن تعادل در رفتار است که در سیاست و حکمرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ظهیری ناو، و غیره). «اینست داستان فضیلت حلم و ترجیح آن بر دیگر اخلاق ملوک و عادات پادشاهان، بر خردمندان پوشیده نماند که فایده بیان این مثال اعتبار خوانندگان و انتباه مستعمان است»

این جمله به وضوح نشان می‌دهد که در تاریخ ایران، حلم به عنوان یک فضیلت عالی در نظر گرفته می‌شود که بر اخلاق و رفتار پادشاهان تأثیرگذار است. این نوع از رفتار، که در آن پادشاه تصمیمات خود را با تدبیر و تفکر اتخاذ می‌کند، به طور معمول در ادبیات ایرانی تجلیل می‌شود.

ذ. اعتبار تجربه‌ها و حکمت پیشینیان

یکی دیگر از مفاهیم مهم در فرهنگ ایرانی که در این متن به آن اشاره شده، توجه به تجربه‌های پیشینیان و استفاده از آن‌ها برای بهبود وضعیت حال و آینده است.

این ایده در متون حکمت ایرانی بارها به طور مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده است و در اینجا به طور مشخص بیان می‌شود (بهار، ۱۳۷۰، ص. ۲۵۳)

«هر که به عنایت ازلی مخصوص گشت نمودار او تجارب متقدمان و اشارت حکیمان باشد و بنای کارهای حال و استقبال و مصالح امروز و فردا بر قاعده حکمت و بنیاد حصافت نهد»

در این جمله، اشاره به تجارب پیشینیان و استفاده از حکمت به عنوان اصولی برای تصمیم‌گیری در مسائل امروز و فردای کشور، تأکید می‌کند. این مسئله در فرهنگ ایرانی که به علم و تجربه بسیار اهمیت می‌دهد، اهمیت فراوانی دارد.

5 - نتیجه‌گیری

بررسی واژه‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی در باب «الملک و البراهمة» از کليلة و دمنه نصرالله منشی، نشان می‌دهد که این اثر نه تنها ترجمه‌ای ساده از یک متن خارجی نیست، بلکه بازآفرینی فرهنگی و زبانی یک گنجینه فکری در قالب ایرانی است. واژگان خاص، تأکید بر خردورزی، تکریم علما و مشورت در سیاست، همگی ریشه در فرهنگ کهن ایران زمین دارند که در لایه‌های مختلف این باب آشکار شده‌اند. کليلة و دمنه به مثابه آئینه‌ای از روحیه عقل‌مدار و حکمت‌آمیز ایرانیان قرون میانه، ارزش پژوهشی فراوان دارد.

در نهایت، بررسی باب «الملک و البراهمة» نه تنها یک روایت حکایتی است، بلکه نمایانگر اصول بنیادین و متعالی در فرهنگ ایرانی است که در طول تاریخ در سیاست‌ورزی و حکمرانی کاربردهای فراوانی داشته است. در این بخش از داستان، مفهوم «حلم» به عنوان یک فضیلت کلیدی، حکمت در تصمیم‌گیری، مصلحت‌اندیشی، و توجه به عواقب بلندمدت به وضوح مطرح می‌شود. این ویژگی‌ها

نه تنها در سیاست‌گذاری‌های کلان بلکه در تعاملات روزمره نیز نقشی اساسی دارند و باعث حفظ انسجام و توسعه در نظام‌های حکومتی می‌شوند.

پادشاه در این داستان، با درک عمیق از مفاهیم حکمت و تدبیر، به جای اعمال واکنش‌های زود هنگام، در پی مشورت و تفکر می‌رود تا تصمیماتی اتخاذ کند که نه تنها به موقعیت کنونی بلکه به آینده نیز توجه داشته باشد. این نگاه عمیق و آینده‌نگر، در کنار احترام به مشورت و خردمندی مشاوران، از جمله ویژگی‌های ممتاز فرهنگ ایرانی است که بر پایه‌ی تجارب پیشینیان و اصول حکمت استوار است. از سوی دیگر، این داستان تأکید دارد بر اینکه پادشاهان ایرانی همواره به جای تکیه بر قدرت بی‌دریغ، فضیلت حلم و تصمیم‌گیری خردمندانه را ارج می‌نهادند. در واقع، اینگونه حکمرانی نه تنها در راستای اهداف فردی و سیاسی بلکه در جهت تأمین رفاه عمومی و ایجاد جامعه‌ای متعادل و پایدار صورت می‌گرفت. در نتیجه، باب «الملک و البراهمة» یک منبع غنی از آموزه‌های اخلاقی و حکومتی است که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای حکمرانان و مسئولین امروز در تصمیم‌گیری‌های پیچیده و حساس مورد استفاده قرار گیرد. این داستان به‌ویژه در دنیای امروز که نیازمند مصلحت‌اندیشی، تدبیر و حلم بیشتر از هر زمان دیگری است، اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند راهگشای ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در جوامع مختلف باشد.

منابع

- پارسا یعقوبی جنبه سرای ساختار روایی کلیله و دمنه بر اساس گفتمان کاوی تعامل رای و برهمن ادب پژوهشی [کتاب]. - 1390. مجلد 5 (18).
- حسین سلیمی سیاست - پذیرای فرهنگ [کتاب] / ترجمه مجید وحید. - تهران: انتشارات باز، 1382.
- خسرو فرشیدورد در باره ادبیات و نقد ادبی [کتاب]. - تهران: انتشارات امیر کبیر، 1382. مجلد ج 2.
- سعید نفیسی تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی [کتاب]. - تهران: پنگاه ترجمه و نثر کتاب، 1340.
- صلواتی و پارسا سید احمد صلواتی لاله ریخت شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه نصر الله منشی. شعر پژوهی [کتاب]. - 1389. مجلد 12 (4).
- ظهیری ناو ظهیری ناو و امین نواختی مقدم سیر و تداوم اندیشه های ایران شهر در کلیله و دمنه [کتاب].
- عبدالله المقفع ابن المقفع کلیله و دمنه [کتاب] / ترجمه: نصرالله منشی و مجتبی مینوی. - تهران: امیر کبیر، 1382. مجلد 1382 - بتصحیح مجتبی مینوی.
- علی نوری و امیر حسین سرلک تحلیل کهن الگویی حکایت (الملك و البراهمه) کلیله و دمنه، متن شناسی ادب فارسی 8.4 [کتاب]. - 1389.
- محمد تقی بهار سبک شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی) [کتاب]. - تهران: انتشارات امیر کبیر، 1370. - ج 2: مجلد ششم.
- مهرداد بهار پژوهشی در اساطیر ایران [کتاب]. - تهران: آگه، 1389. - مجلد ششم.
- نصر الله امامی مبانی و روشهای نقد ادبی [کتاب]. - تهران: جامی، 1377.

المصطلحات اللغوية والعادات والثقافة الإيرانية في كليله ودمنه (ترجمة نصر الله منشى) باب الملك و البراهمة

الملخص

كليله ودمنه ترجمه نصر الله منشى هي كنوز من الحكمة العملية للثقافة والآداب الإيرانية وفي فصل (الملك والبراهمة) يمكن رؤية انعكاس واسع من الالفاظ والمفردات الاصلية للآداب الاجتماعية والأفكار الثقافية الإيرانية.

في هذا البحث تم استخدام المنهج التحليلي الوصفي مع المنهج الاستدلالي في جميع أجزاء المقال ومن ثم استفيد من الدراسات المكتبية وكذلك في طريقة جمع البيانات في شكل استبيان حيث يشكل السياق العام لهذا البحث وسيتم تحليل الخصائص اللغوية ومؤشرات العادات الاجتماعية وانعكاس الثقافة الإيرانية في هذا الصدد.

بهدف هذا البحث الى اظهار مدى الارتباط بين اللغة والثقافة الإيرانية في أحد اهم النصوص النثرية الفارسية.

الكلمات المفتاحية: كليله ودمنه، الثقافة الإيرانية، الملك والبراهمة، العادات

الاجتماعية

